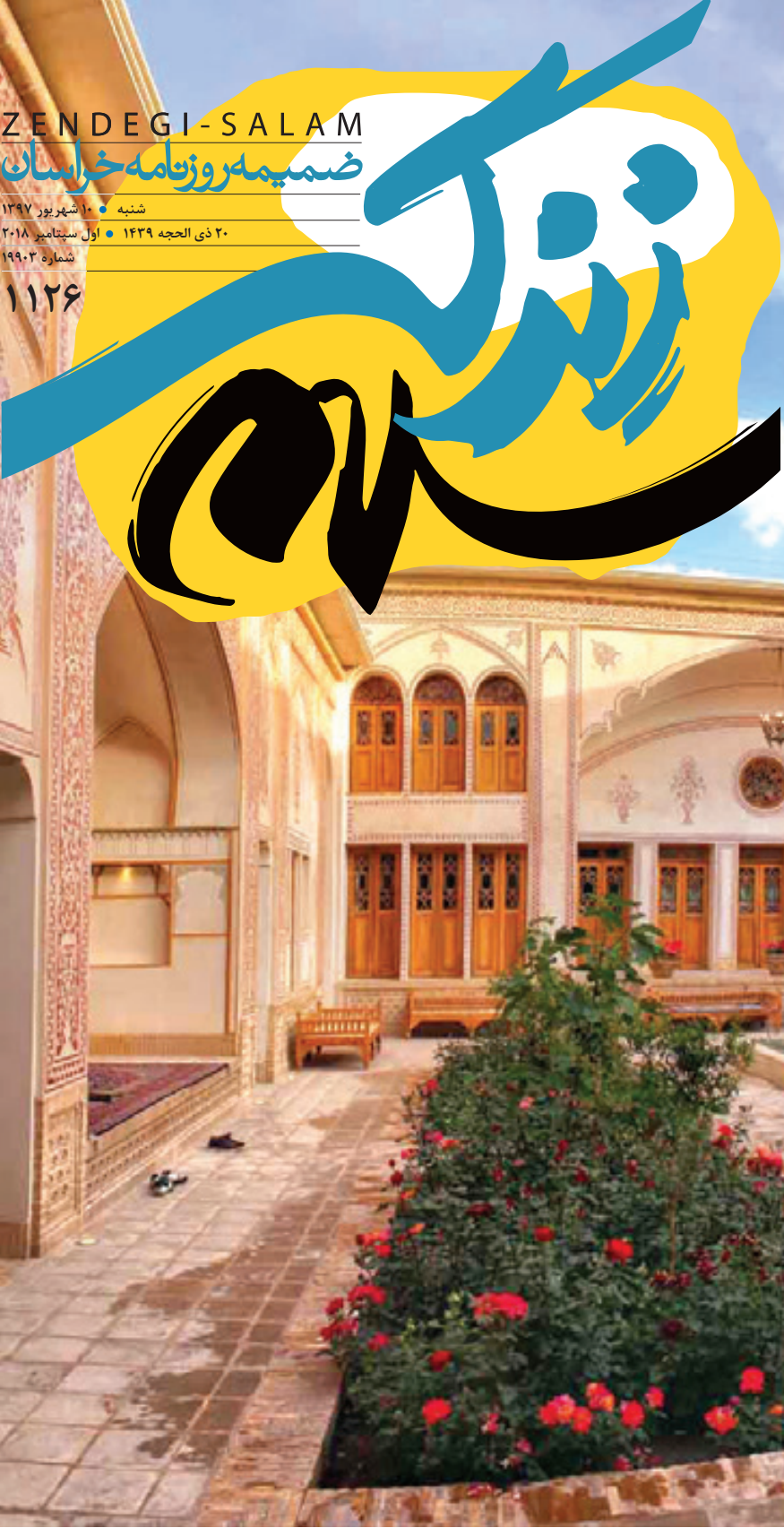


به بهانه بیستمین سالگرد درگذشت «محمد کریم پیر نیا»

پدر معماری سنتی ایران، درباره اصول معماری ایرانی اسلامی

معمار همه چیزدان!



یادی از اصولی که با گذشت زمان، کمرنگ شده‌اند

معماری اسلامی در خدمت سبک زندگی ایرانی

حفظ حریم شخصی اهالی خانواده در باره مهمانان و آمدورفت کنندگان است. از همین روست که اصلی به نام دم «مشرّف بودن» در خانه‌های ایرانی از دیرباز مورّد تأکید بوده‌است، حتی به همین دلیل است که باغ‌ها نیز از همین امر تبعیت کرده و معمولاً دور تا دور آن‌ها با دیوار محصور بوده‌است.

● چهار اصل فوق‌که به توضیح دربارهٔ آن‌ها پرداخته‌شد، با اصل دیگری تکمیل می‌شود که گفته‌بر حوم پیرنیا، مختص معماری ایرانی اسلامی است. این اصل که وی آن‌را «نیارش و پیمون» نامیده، معمار ایرانی را در هر سه مرحله اساسی معماری، یعنی «طرح»، «محاسبه» و «اجرا»، به بهترین نحو یاری می‌کند. «نیارش» به معنای عوامل نگه‌دارنده بنا، که عبارت است از «مجموعهٔ امور محاسبی و استاتیکی به انضمام مصالح شناسایی و استفاده از مناسب‌ترین و کمترین مصالح» و «پیمون» که «رعایت ضوابطی است به منظور تعیین و حفظ تناسب بین اجزای بنا». پیروی از پیمون هر گونه نگرانی معمار را درباره نازیبایی یا ناستواری ساختمان از بین می‌برد.
و مطالعه و دقت در آن چه مر حوم پیرنیا تنظیم کرده‌است، شاید بتوان دلایل شکل گرفتن بناهای نامناسب و نامطمئن امروزی را که معمولاً هیچ تناسبی با دین و فرهنگ و سنت ما ایرانی‌های مسلمان ندارد، تا حدی رعایت نکردن این اصول دانست.
بانگاه به معماری خانه‌های امروزی، در می‌باییم که رعایت اصول چهار گانه، به فراموشی سپرده‌شده‌اند و دلایل این امر نیازمند ریشه‌یابی است.
شاید پیروی کور کورانه از سبک معماری غربی و تطبیق ندانن علم و فناوری روز معماری با فرهنگ هنر کشور خودمان سبب شده که خانه‌های امروزی به آن چنان که باید راحت باشند و نه آن چنان که باید امن!



خانه حاج کاظم رسولیان، محل دفن مر حوم پیرنیا



عکس از چیدانه

دلارام کاردار | کارشناس ارشد ایران شناسی

به لحاظ تاریخی، شاید بتوان معماری را اولین هنر و مهار تی به‌شمار آور د که خیلی زود با مفاهیم اسلامی سازگار شد و از این‌رو، از سوی مسلمانان مورد استقبال فراوان قرار گرفت و زمینه‌بروز خلاقیت‌های چشمگیر از سوی معماران مسلمان شد. در این بین، نمی‌شود از معماری ایرانی اسلامی حرف زد و یادی از مر حوم د کتر «محمد کریم پیرنیا»، نکرد. مردی که دغدغه اصلی اش در زندگی حرفه‌ای، احیای میراث معماری کهن و اصل ایرانی بود. د بروز جمعه نهم شهر یور ماه، بیستمین سالروز در گذشت این انسان ارزشمند بود. به همین مناسبت با ما همراه شوید تا با گوشه‌ای از خدمات ارزنده این شخصیت برجسته و اصول مهم معماری ایرانی اسلامی که متأسفانه این روزها کمرنگ و کم‌ر فدار شده، آشنا شویم.

خدمات مرحوم پیرنیا به فرهنگ و هنر ایران

در دو محور بررسی کرد: نخست، طراحی و ساختمان‌سازی و دوم، تحقیق جدی در زمینه معماری سنتی و شیوه‌های مرمت و نگهداری بناهای اسلامی ایران و اقدامات عملی در این زمینه که مهم‌ترین و ارزشمندترین بخش فعالیت‌های وی را تشکیل می‌داد و حاصل آن، ده‌ها مقاله تحقیقی مختلف درباره معماری ایران و هنرهای وابسته به آن و نیز مرمت‌صدها ساختمان و بنای قدیمی است. همچنین وی از سال ۱۳۴۴ به بعد، در کنار وظایف و مسئولیت‌های دولتی، به تدریس معماری سنتی ایران با تحلیل‌های علمی در دانشگاه‌های هنرهای زیبای دانشگاه‌تهران، دانشگاه شهید بهشتی، فازی، علم و صنعت و پردیس اصفهان مشغول بود که تربیت گروه زیادی از مهندسان و معماران آشنا به معماری سنتی و اصل ایران، حاصل آن است. دکتر محمد کریم پیرنیا، روز نهم شهریور ۱۳۷۶ در سن ۷۷ سالگی، دارفانی را وداع گفت. محل دفن وی به وصیت خودش، خانه حاج کاظم رسولیان در شهر برد بود که امروزه دانشگاه هنر و معماری یزد است.

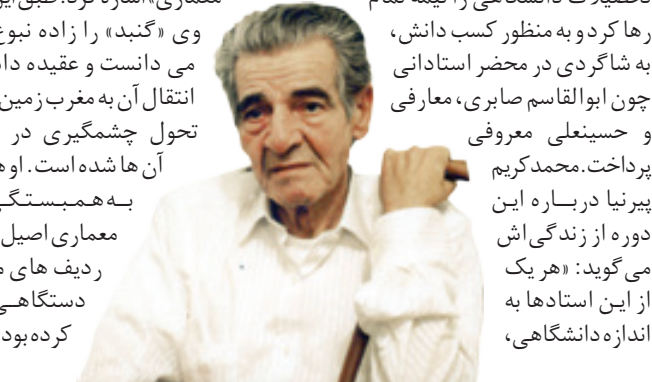
با ء سبکِ مهم معماری ایرانی اسلامی آشنا شوید

شوند، قطعاً به تفاوت‌های اینیه تاریخی با توجه به دسته‌بندی مر حوم پیرنیا دست خواهند یافت. به‌زبان ساده‌می‌توان گفت که پیرنیا به پیروی از سبک‌شناسی شعر فارسی، سبک‌های معماری ایرانی اسلامی را با توجه به زادگاه آن‌ها به چهار دسته خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی تقسیم کرد که توضیح جزئیات آن امریست تخصصی. فقط بدانید که از این به بعد، اگر با دقت به آثار تاریخی در شهرهای مختلف کشور عزیزمان ایران نگاهی بیندازید، اشتراکات و تفاوت‌های اینیه هر سبک را، تنها با مشاهده دقیق و دقت در جزئیات در خواهید یافت.



از دیگر نوآوری‌های مر حوم پیرنیا به منظور باز شناسی هویت معماری ایرانی «سبک‌شناسی معماری ایران» است. وی بر آن بود که انتساب نام‌هایی چون مغولی، تیموری و … به سبک‌های مختلف معماری ایرانی، تفکیک بناهای ساخته‌شده به یک سبک در ادوار مختلف تاریخی را دشوار می‌سازد و رفع چنین مشکلی در گرو تعیین نام‌های منطقه‌ی و مناسبی است که شناخت سبک‌شناسی معماری ایرانی را به سهولت میسر می‌سازد. این اصل در ابتدا تخصصی به نظر می‌رسد اما اگر علاقه‌مندان به هنر معماری ایران زمین، کمی در این خصوص دقیق‌تر

«محمد کریم پیرنیا» از استادان برجسته معماری سنتی ایران و پایه‌گذار نگرش نوین به معماری ایرانی اسلامی، در سال ۱۲۹۹ شمسی در شهر یزد متولد شد. پدرش میرزا صادق خان نائینی، پزشک حاذق و شیمی‌دان نامی، از خوش‌نویسان و هنرمندان چیره‌دست و مادرش حشمت الملوک کرجمی، دختر یکی از خانواده‌های سرشناس یزد بود. محمد کریم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در یزد به پایان رساند و در سال ۱۳۱۹، با ورود به تهران، در زمره نخستین دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران قرار گرفت و به تحصیل در رشته معماری پرداخت. فضای حاکم بر دانشکده هنرهای زیبا در آن سال‌ها، به پیروی از دیدگاه‌های «آندره گدار»، رئیس دانشکده و چند استاد فرانسوی دیگر، فضایی اروپایی بود و معماری سنتی ایران کاملاً مهجور مانده بود و این امر با دیدگاه ایرانی اسلامی پیرنیا که در شهر یزد و کانون معماری اصل ایرانی شکل گرفته بود، کاملاً در تضاد بود. از این‌رو در سال ۱۳۲۴ پیرنیا تحصیلات دانشگاهی را نیمه تمام رها کرد و به منظور کسب دانش، به شاگردی در مضر استادانی چون ابوالقاسم صابری، معارفی و حسینیعلی معروفی پرداخت. محمد کریم پیرنیا در باره این دوره از زندگی‌اش می‌گوید: «هر یک از این استادها به اندازه دانشگاهی،



شیخ یونس، بنیانگذار خانه‌های ایرانی